نقدی بر عملکرد رسانه‌ها در پوشش اخبار بندر شهید رجایی

آسیب‌شناسی عملکرد رسانه‌ها در بحران

گروه اجتماعی

چند روزی از حادثه انفجار بندر شهیدرجایی می گذرد. دراین روزها بعضا انتقادهایی به عملکرد رسانه های رسمی وارد شده؛ انتقادهایی که اغلب بر لزوم در دست گرفتن روایت اول در بحران ها تأکید دارد؛ اصلی مهم که البته عملیاتی کردنش علاوه بربهره گیری صحیح ازظرفیت رسانه ها، منوط به همکاری دستگاه های اجرایی است.

عیان است که درنبرد رسانه ها، هرغفلت خبری به منزله ضربه خوردن به مرجعیت رسانه است و شانه خالی کردن از وظایف رسانه‌ای، فضارابرای طرح شایعات واخبار نادرست (فیک نیوز) فراهم می کند. این چالش جدی، بازگشت به اعتبار قبلی را برای رسانه بادشواری های متعدد مواجه کرده و مهم‌تر از همه، مخاطب را سردرگم می کند. اساتید حوزه ارتباطات و رسانه براین باورند که «درپوشش حادثه انفجار بندر شهید رجایی، بازهم طبق معمول در بحث بحران عقب ماندیم و متوقف شدیم. هنوز سیستم منسجمی برای مقابله با بحران های رسانه‌ای نداریم. بنابراین روایتگر اول نیستیم ورسانه های مختلف به‌ویژه شبکه های اجتماعی و رسانه‌نگارها همچنان خبر اول هستند. حتی صداوسیمای ما متأسفانه طبق اغلب مواقع عقب است.»(۱)

محمدلسانی، کارشناس، مدرس ومروج سواد رسانه‌ای در این زمینه، نکاتی را با «رسالت» در میان گذاشته که در ادامه می‌خوانید.

آقای لسانی باتوجه به تجربه حوادث‌گذشته‌ماننددپلاسکوومتروپل تا چه میزان رسانه‌های ما توانستند در حادثه انفجار بندر شهید رجایی خبررسانی بحران را در حد استاندارد رعایت کنند؟

مسئله مهم در این زمینه، مؤلفه های توفیق عملیات رسانه‌ای است. مؤلفه اول، هدایت مصرف کاربران به سمت محتوای رسمی و متمرکز است که در حادثه انفجار بندر شهید رجایی، استاندار و مدیرکل مدیریت بحران استان هرمزگان به‌عنوان سخنگو مشخص شدند، بنابراین مؤلفه اول به این برمی گردد که آیا آنان درهدایت مصرف موفق بودند، به‌نحوی که مصرف خبری کاربران صرفا اظهارات این افراد باشد؟ مؤلفه دوم، بسندگی و پاسخ به عطش خبری است، که هدایت مصرف به مؤلفه دوم یعنی بسندگی ارتباط دارد. اگر اخبار و اطلاعاتی که از سوی سخنگو مطرح می شود، عطش خبری کاربران را فروبنشاند، هدایت مصرف شکل می گیرد، این موارد لازم و ملزوم یکدیگرند، اما اگر اطلاعاتی که می دهند، کلی، مبهم و درزمانی بافاصله زیاد از واقعه باشد، اینجا مجاری غیررسمی تقویت می شود؛ در این مجاری فیک نیوزها و معاندین، روایت های جعلی ونادرست رابا هدف سیاه نمایی و پمپاژ ناامیدی مطرح می کنند. سومین مؤلفه هم ایجاد همبستگی و کمپین های همراهی عمومی است تا حادثه به یک پویش جمعی تبدیل شود. اگراین مؤلفه هم رعایت شود، می گوییم عملیات رسانه‌ای موفق بوده است. این همبستگی بخش های مختلفی ازجمله اهدای خون را شامل می شود و در برخی حوادث نظیرزلزله وسیل ممکن است این همبستگی درارسال ملزوماتی نظیرکنسرو، آب معدنی، غذاوکانکس خودش رانشان بدهد. ازاین رو باید سؤال کرد که آیا این حادثه توانست به یک پویش اجتماعی و همدردی جمعی تبدیل شود؟ درصورت رعایت این سه مؤلفه می‌توان گفت پوشش رسانه‌ای ماموفق بوده است. اما درحادثه انفجار بندر شهید رجایی در مؤلفه اول، یعنی هدایت مصرف، عملکردها قابل قبول نبود و استاندار و مدیرکل مدیریت بحران استان هرمزگان به‌عنوان سخنگو، شأن و وزن ملی نداشتند. درمؤلفه دوم نیزحجم تولید اخبار مستند و معتبر بسیار پایین و حتی متناقض بود و افراد بعضا اظهاراتی ضدیکدیگرمطرح می کردند. درمورد مؤلفه سوم انسجام و همبستگی راشاهد بودیم اما این همدلی و همبستگی خودجوش بود، حال اینکه درپویش هایی نظیر«دو درجه کمتر» و یا «نه به تصادف» مقامات مسئول این موارد را از مردم درخواست کرده ورسانه ها آن راپوشش دادند، سپس مردم به این پویش ها واکنش نشان دادند. دراین زمینه ما شاهد پیوند میان دولت - ملت و حاکمیت و مردم بودیم اما درحادثه بندرعباس این همبستگی کاملا خودجوش بود. اگرچه ازمردم برای اهدای خون تقاضاشداما این تقاضابیشتربه یک بیانیه سرد ورسمی شباهت داشت واین مردم بودند که داوطلبانه پای کارآمدند. رهبرمعظم انقلاب هم درپیام خودبادرج عبارت «مردمان پرگذشت» ازآنان تشکر وقدردانی کردند، ولی این قضیه ازسوی مسئولان هدایت نشده بود و به صورت داوطلبانه اتفاق افتاد. دراینجابایدبه مردم احسن گفت، نه به طراحی مسئولان. به‌نظر می رسدعلت این مسئله تغییردرپروتکل ها است. درواقع باتغییردولت ها، پروتکل ها توسط دولت های مختلف شکسته شده و به صورت سلیقه‌ای عمل می شود. این مسئله باعث شده دستگاه های اجرایی به بلوغ نرسند و چنین موضوعی درمدیریت بحران واقعاآسیب زااست. حداقل آسیب در این بخش، ایجاد اضطراب و نگرانی است و در شکل شدیدتر آن ممکن است به افزایش جانباختگان بینجامد. بحران شوخی بردار نیست و برای مدیریت آن حتما باید دستگاه های اجرایی به بلوغ برسند. این بلوغ فقط شامل بخش لژستیکی و میدانی نیست، اگرچه دراین زمینه نیزحائزاهمیت است، امادربخش رسانه بسیارمهم‌تراست. به این معنا که در حوزه رسانه‌ای به مدیری بالغ، پخته و باتجربه نیاز داریم که کارش در حیطه رسانه بحران باشد. در حال حاضر که با شما صحبت می کنم در دستگاه های حاکمیتی، کسی رانمی شناسم که کارش، رسانه بحران باشد! شاید تنها کسی که در این بخش خوب کار کرده، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران باشد. جلال ملکی در هنگام وقوع بحران به‌عنوان دستگاه حاکمیتی ورود کرده وتوضیحات لازم را ارائه داده است. این فرد بالغ و پخته است و به خوبی اطلاعات می دهد. ازاین رو پیشنهاد ما این است که ازچنین افرادی درستاد مدیریت بحران استفاده شود. این موضوع بسیار حساس است و اگرمدیریا مسئولی به درستی و سنجیده سخن نگوید، خانواده جانباختگان مکدر می شوند. شمادیدید که یکی ازمسئولین درباره هواپیمای روسیه اظهاراتی مطرح کرد، مبنی براینکه، این هواپیمابه کارگیری نشده و سفارت روسیه ویدئویی از این هواپیمامنتشرکرد، بنابراین کوچک‌ترین اظهاراتی می تواندتبعات داخلی وبین المللی داشته باشد.

من ازسخنان شمااین برداشت رادارم که رسانه‌های ما در پوشش رسانه‌ای بحران، وارد بحران می‌شوند!

ببینید درشرایط بحران نباید واژه بحران رابه کاربربریم. ترجیح می دهم که به‌جای استفاده ازاین واژه بگویم ساختار و آرایش لازم رابرای «رسانه بحران» نداریم. دراین زمینه چند موضوع کنارهم مطرح است، نخست علم ودانش است که ازجنبه نظری وعلمی دانشگاه ما باید فعال باشد. دوم قانونگذاری و ریل گذاری (چارچوب ها و اسنادجزئی نظیربخشنامه ودستورالعمل) است و سوم دربخش نیروی انسانی باید ازافرادقوی ومتخصص استفاده کرد. چه خوب است که به‌عنوان مثال ازاساتیدی که کاراجرایی هم انجام داده‌اند استفاده کنیم و از ظرفیت کسانی بهره‌مند شویم که تلفیق بین علم و عمل و بین میدان و تجربه باشند. اما متأسفانه دراین بخش ضعیف عمل کرده‌ایم. یاافرادی که به کار می گیریم آرمانی وفضایی اندویااصطلاحا عمله هستند! درحالی که جنس کار نه عمله است و نه فضایی. دراین زمینه به افرادی نیازداریم که ذوابعاد، چندبعدی، بین رشته‌ای وترکیب بین میدان وتجربه باشند. چهارمین مورد هم تجهیزات و امکانات است که به مجموع این موارد ساختار آرایش می گوییم. براین اساس باید بررسی کرد که روزچندم، هلی شات آمد و تصاویر هوایی ارائه داد. روز چندم تلویزیون های اینترنتی مثل تلویزیون اینترنتی همشهری، اس ان ان وخبرگزاری مهر در این زمینه فعالیت کردند. تازه روز سوم یا چهارم این تلویزیون ها در مورد حادثه وارد میدان شدند. درحالی که حادثه ساعت ۱۲ ظهر ششم اردیبهشت رخ‌داده وتأخیررسانه ها قابل قبول نیست. درهرکجای جهان اگرچنین حادثه‌ای رخ می داد، نهایتا دو سه ساعت بعد ازوقوع آن رخداد، رسانه های ویدئویی استریم و یا لایو، پخش خود را آغاز می کردند. بنابراین باید پرسید علت این تأخیرچه بوده؟ طبیعتا باید بودجه و تجهیزات و حمایت لازم دیده شود، امروز رسانه اصلی، رسانه استریم و لایو است. شما از بحران پوشش رسانه‌ای سخن می گویید. درحالی که بحران، نتیجه ومعلول است و علت، نداشتن ساختار و آرایش در علم و دانش، قانون وریل گذاری، نیروی انسانی وتجهیزات وامکانات است وتصورمی کنم فقدان این ساختار به اعتمادافکارعمومی ضربه زده و به تدریج جایگاه فیک نیوزها و معاندین را پررنگ می کند و به عبارت بهتر روایت سیاه آن ها ته نشین می شود. این مسئله ناامیدی مردم و رویگردانی آن ها از مسئولین و بی اعتمادی شان به ساختارهای رسمی را به دنبال دارد. این بلایی است که با بدعملی و نقص و قصور درمیدان رسانه اتفاق می افتد.

باتوجه به چنین وضعیتی چه باید کرد؟

معتقدم که جاگیرشدن مسئولان دردولت جدید اولین بحران برای رسانه ها است. بحران نبایددولت محورباشد. نبایدنسبت به مقوله بحران، مدیریت ونگاه مقطعی و سلیقه‌ای داشت، چون دراین صورت هر دولتی که برسرکارمی آید، پس ازچندین چالش وتنشی که دردوران مدیریتش رخ می دهد، تجربه کسب کرده ویادمی گیرد که چه چیزی را چگونه بگوید. لذا مسئله اول، ضعف مقطعی دانستن مدیریت رسانه دربحران است. نکته دوم، رویکردهاست و حتی عوض شدن دولت ها باعث تغییر رویکردها به رسانه می شود. به طوری که می بینیددریک دولتی، به رسانه های دولتی و در دولتی دیگربه رسانه های خصوصی توجه می شود، یعنی حتی رویکردهای استفاده ازرسانه هم در دولت های مختلف متفاوت می شود. به نظرم کاری که باید صورت بگیرد، این است که ما مدیریت بحران و رسانه مدیریت بحران را از ریل دولت ها بیرون بکشیم. بایدفضایی داشته باشیم که تا به این حد دستخوش تغییر نباشد. این ناپختگی و این عدم بلوغ در مواجهه با حوادث نگران کننده است و همان طور که اشاره کردم این موضوع باعث عدم مرجعیت رسانه های داخلی، تولیدوافزایش فیک نیوزهاوبی اعتمادی وسیاه نمایی به مدیران و ساختاراداری کشور می شود.

معمولا درهنگام حوادث ورخدادهای تلخ بخش زیادی ازتوان وانرژی رسانه‌های ما صرف تکذیب‌ها و شفاف‌سازی در مورد اطلاعات غلطی می‌شود که در فیک نیوزها منتشرمی‌شود، به اعتقاد شمااین مسئله تاچه حدی رسانه‌های ما راآسیب‌پذیرکرده است؟

رسانه های ما وقتی میدان دار نباشند، پیرو خواهند بود. به طورکلی رسانه ها یا پیشروی وخط شکنی دارندویاندارند، که درصورت نداشتن قدرتی برای پیشروی، به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات ویاعدم اجازه در مورد طرح برخی مباحث، پیرو خواهند بود و پیوسته باید واکنش نشان داده وتکذیبیه بدهند. این به معنای بازی ازپیش باخته است.

پروتکل خبررسانی ما در مواجهه با حوادث چیست، آیا اساسا پروتکل مشخصی وجود دارد؟

بله. سند «رسانه دربحران» اردیبهشت ۱۴۰۳ به تصویب رسیده، اما مدیران مختلف بااین سند به صورت سلیقه‌ای برخورد می کنند. درهمین اتفاقات اخیر، علیرغم اینکه، ورود شورای عالی اطلاع رسانی دولت وسخنگوی آن برخلاف مصوبات سند بود، شورای عالی اطلاع رسانی دولت ورود کرد. طبق این سند بایدوحدت سخنگو که استانداراستان است به رسمیت شناخته شود لذا به نظرمی رسد برای این مسئله بایدراهکارعاجلی دیده شود. شایدبهترباشدسندی موردپذیرش همه به تصویب برسد وخدشه‌ای به آن واردنشود، اما اگرقرارباشد هردولتی سندراعوض کند، سنگ روی سنگ بندنمی شود. نمی شودبا آمدن هردولت، یک سند ویک چارچوب به تصویب برسد. متأسفانه تجربه نشان داده هردولت می خواهد سنگ اول رابگذارد، در عین اینکه بایدبه‌عنوان مثال درباره آجرطبقه دهم صحبت کرد، برخوردهای سیاسی و حزبی باعث شده همه برسرگذاشتن اولین آجردعواداشته باشند. بنابراین هنوزدرگیر شالوده و فنداسیون ساختمان هستیم و این خوب نیست.

برداشتم از اظهارات شما این است که رسانه‌های ما در پوشش حادثه انفجار بندرشهید رجایی نمره قبولی نمی گیرند.

حوزه رسانه شامل بخش های حاکمیتی، دولتی ومردمی است. دربخش دولتی کار؛ انسجام، هدایت مصرف وموفقیتی ندیدیم. اما درحوزه هایی که به بخش حاکمیتی مربوط است ازجمله شهرداری تهران ویا بخش های مردمی وتولیدویدئوتوسط افراد عادی جامعه، به خوبی عمل شدوقوت ما دراین بخش ها است. بنابراین باید پازل را به طور کامل دید. درحوزه حاکمیتی و مردمی تلاش شد، خلأها پر شود ولی در حوزه دولتی خوب عمل نشد که ربطی هم به این دولت و گفتمان آن ندارد. متأسفانه دولت های اصلاح طلب و اصولگرا هرکدام می خواهند سنگ بنای اول را بگذارند.

لطفا در جمع‌بندی اگر نکته‌ای جا مانده بفرمایید.

نکته مهم این است که بدانیم بحران همیشه ودرهرکجای جهان رخ می دهد. همین الان که با شما صحبت می کنم، برق اسپانیا و بلژیک قطع شده و دراین کشورها نیز اطلاع رسانی درستی انجام نمی شود. امادرکشورماانتظارهافزاینده است و مردم دچار نوعی خودتحقیری و کمال گرایی هستند.

براثر قطعی برق در اسپانیا و بلژیک شوک عمومی پیش آمده، هنوز هم چندساعتی از بحران گذشته و علت آن اعلام نشده و گفته اند احتمالا به دلیل نوسانات جوی بوده و یک پدیده غیرطبیعی نیست، بنابراین بایدبدانیم که قسمتی ازماجراطبیعی است. البته بدعملی ها و قصورها را نباید توجیه کرد. ولی علیرغم وجود اسنادبالادستی، پروتکل هاونیروهای متخصص حتی درکشورهای اروپایی وآمریکا، وقوع بحران همگان را شوکه می کند. حداقل باید زیرساخت ها را تقویت کرد و بازیابی و ترمیم را سریع‌تر انجام داد. اطلاع رسانی به افکارعمومی باید به موقع و به درستی انجام شود، اما در نظر داشته باشید که کشور ما تحت هجمه سنگین رسانه‌ای قرار دارد، آن چیزی که چالش امروزرسانه را تشدیدمی کند، این است که درشرایط طبیعی قرارنداریم واتاق های عملیات روانی روی افکارعمومی بمباران انجام می دهند، دریک چنین وضعیتی تأکید می شود که آرایش وساختارمان خوب نیست. اگراین هجمه هانبود، به نظرم می شد بایک همدردی مشکل راحل کرد. اما درجنگ رسانه‌ای، با بمباران شیمیایی و تولید روایت های سمی مواجهیم.

پی‌نوشت:

۱- حمیدشکری خانقاه، مدرس دانشگاه درحوزه ارتباطات درگفت‌وگو با ایسنا

تحریک قاچاق با ممنوعیت واردات سیگارهای الکترونیک!

سخنگوی وزارت بهداشت در دولت دوازدهم گفت: متأسفانه درهرنقطه‌ای ازکشورمی‌توانید به سیگار الکترونیک دسترسی پیدا کنید. ممنوعیت و محدودیت ورود این کالا به کشور در حد تعارف روی کاغذ است و اعمال محدودیت، به نفع قاچاق مصادر شده است.

کیانوش جهانپور در گفت‌وگو با «امید نیوز» اظهار کرد: مصرف سیگارهای الکترونیک نه فقط درایران که دراغلب کشورهای جهان رواج یافته وآنچه بیش ازهمه هشدار کارشناسان نظام سلامت را برانگیخته، شروع مصرف دخانیات با سیگارهای الکترونیک است که می‌تواند زمینه‌ساز اعتیاد به نیکوتین برای نوجوانان و جوانان و کسانی باشد که پیش ازاین سابقه مصرف نداشته‌اند. مطابق بااطلاعات موجود وگزارش های منتشرشده، مصرف این نوع سیگار درسالیان اخیرباهدف ترک دخانیات افزایش یافته، به این دلیل که دارای بخارات استنشاقی بوده و مقدارمواد موجود در بخارات آن کمتر از سیگار سنتی است. این سیگارها حرارت دخانیات وعوامل مضرشیمیایی کمتری دارند، بنابراین نتایج برخی مطالعات به نوعی ازاین تغییرالگوی مصرف پشتیبانی می کنندا ما هنوزشواهد متقنی به نفع مخالفان وموافقان این موضوع وجود ندارد، بااین حال طبق مطالعات موجود، درکشورهای مختلف که تولید و ورود این محصول مانعی ندارد، برای کاهش عوارض مصرف سیگارهای سنتی یاتبدیل الگوی مصرف، این محصول تجویز شده و حداقل درکوتاه مدت توانسته به کاهش عوارض مصرف بینجامد. همانطورکه اشاره کردم، اغلب هشدارهایی که داده می شودازجنس تأثیرآن برشروع مصرف نیکوتین ودخانیات برای نوجوانان و گروه های غیرمصرف کننده است که احتمال دارد ازاین طریق، افراد جدیدی به دایره مصرف دخانیات وارد شوند و ازاین بابت نگران کننده خواهد بود.

این کارشناس نظام سلامت با اشاره به اینکه سیگارهای الکترونیک به شکل قاچاق به ایران وارد می‌شود، گفت: بخشی ازسیگارهای سنتی در داخل تولید و بخشی هم از مبانی مجاز گمرک وارد کشور شده و تحت نظارت است، اما سیگارهای الکترونیک موجوددرکشور، مرجع واردات رسمی ندارد، لذا نه‌تنها عوارض گمرک برآن ها اعمال نمی شود، بلکه اصالت، سلامت و استانداردازاین کالا ها تحت نظارت نیست، که خود این موضوع ناشی ازمحدودیت هاوممنوعیت های قانونی است. این مسئله بیش ازهمه زمینه‌ساز قاچاق، ورود کالاهای غیراصیل و فاقد استانداردهای اولیه است. باتوجه به اینکه سیگارهای سنتی هم جزء کالا های ممنوعه نیست ودستکم بیش از ۱۶ کارخانه و شرکت، سیگارتولید می کنند، بنابراین سیگارهای الکترونیک نیز در همین قالب می گنجد و ممنوعیت مطلق واردات این محصول ولوازم جانبی آن منطقی نیست. اگرچه همه این ها در ذیل کالا های زیان آورسلامت طبقه بندی می شوند امابسیاری ازکالا های زیان آوردرداخل کشورتولیدمی شوند. به نظرمی رسد ممنوعیتی که درسال های اخیروی سیگارهای الکترونیک اعمال شده، مستدل، مستند و مبتنی برشواهد و مدارک فنی نیست، چون این ممنوعیت در مورد سیگار سنتی و تنباکو وجود ندارد و همین مسئله منجر به شیوع بیشتر قاچاق، تهدید سلامت و عوارض اقتصادی شده است.

آگهی تحدید حدود عمومی خرداد و تیرماه سال ۱۴۰۴ حوزه ثبتی شهرستان طالقان

برابرماده ۱۴ قانون ثبت اسناد واملاک قسمتی ازاملاک حوزه ثبتی شهرستان طالقان به شرح زیرتحدید حدود خواهد شد:

روز تحدید حدود شنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۰
پلاک ۱۱۲ اصلی قریه گوران
۳۱۵ فرعی- فرح بانو نجاری طایفه فرزند عینعلی و شرکاء ششدانگ یکباب خانه
پلاک ۱۱۳ اصلی قریه اورازان
۳۸۶ فرعی-سیدحسین میرتقی و شرکاء ششدانگ اعیانی یک قطعه باغ
پلاک ۲۵ اصلی شهرک طالقان
۳۳۷ فرعی- خانم خدیجه صادقیان فرزند حامد و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی
۶۶۵ فرعی- فرزانه عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین باآبیزار
۶۸۹ فرعی- فرزانه عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین باآبیزار
۷۰۲ فرعی- ورثه ابوالقاسم اکبریان (محسن اکبریان و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۷۴۰ فرعی- فریبا عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغ
روز تحدید حدود دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۲
پلاک ۲۵ اصلی شهرک طالقان
۷۴۲ فرعی-فرزانه عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغ
۷۶۴ فرعی-سیده معصومه عظیمی فرزند سیدابراهیم و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۱۷۹ فرعی-فریبا عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ عمارت
۱۱۸۰ فرعی-فرزانه عباسی فرزند مرحوم بخشعلی و شرکاء ششدانگ باغ
۱۲۵۷ فرعی-صدیقه صیادی فرزند علی اصغر و شرکاء ششدانگ یکباب عمارت مکان
۱۴۶۳ فرعی-آقای فاخر صائمیان فرزند محمدابراهیم و شرکاء ششدانگ یک دستگاه عمارت و محوطه
پلاک ۲۷ اصلی قریه گلینک
۶۳۲ فرعی- محمدتقی رجبی فرزند رحمت اله و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغچه
۶۵۳ فرعی- خانم سیده زلیخا میرحسینی فرزند سیدیحیی ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۱۲۰ فرعی-خانم معصومه گل محمدی فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه زمین
پلاک ۴۳ اصلی قریه ناریان
۱۰۸۱ فرعی-آقای عین الله صابری فرزند مرحوم سهراب به عنوان تولیت بروقف عام ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
پلاک ۶۱ اصلی قریه جوستان
۳۸۳۰ فرعی-محمود دوست برحقی فرزند اصغر ششدانگ یک قطعه زمین
روز تحدید حدود شنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۷
پلاک ۷۲ اصلی قریه شهراسر
۱۴۸ فرعی- شهناز علی محمدی فرزند نصرت اله و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار و دیمیزار
پلاک ۷۶ اصلی قریه موچان
۱۱ فرعی- ورثه منصور سلطانی (علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۵ فرعی- ورثه منصور سلطانی(علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۶۷- فرعی- ورثه منصور سلطانی(علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۹۰- فرعی- ورثه منصور سلطانی(علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۴۹ فرعی- ورثه منصور سلطانی(علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه باغ
۲۹۴ فرعی- ورثه منصور سلطانی(علی اکبر سلطانی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه باغ
روز تحدید حدود دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۹
پلاک ۸۹ اصلی قریه پردسر
۱۷۰ فرعی-لیلا ناظمی فرزند عباسعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه آبیزار
پلاک ۹۰ اصلی قریه خسبان
۳۹ فرعی- منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغچه
۴۱۸ فرعی-کرمعلی نادری فرزند محمدرفیع ششدانگ یک قطعه زمین
۴۴۷ فرعی-منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۴۹۹ فرعی- خانم چمن یزدانی فرزند سهراب ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبیزار
۶۶۵ فرعی-ورثه فضل اله حقیقی(علی حقیقی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۶۹۱ فرعی-ورثه فضل اله حقیقی (علی حقیقی و شرکاء) ششدانگ قطعه زمین
۷۵۲ فرعی- ورثه فضل اله حقیقی(علی حقیقی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
روز تحدید حدود پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۲
پلاک ۹۰ اصلی قریه خسبان
۷۸۲ فرعی- ورثه فضل اله حقیقی(علی حقیقی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۷۹۸- فرعی- ورثه فضل اله حقیقی(علی حقیقی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۱۳۴۸ فرعی-منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۶۹۸ فرعی-سیاوش عسگری فرزند علی بالا و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۱۷۱۴ فرعی-سیاوش عسگری فرزند علی بالا و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۱۹۴۱ فرعی-منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۱۳۰ فرعی- منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
روز تحدید حدود دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۶
پلاک ۹۰ اصلی قریه خسبان
۲۳۰۴ فرعی- سیدامیر حسین پورابریشمی فرزند سیدعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۲۳۵۶ فرعی-ورثه فضل اله حقیقی (علی حقیقی وشرکاء) ششدانگ دوقطعه دیمیزار متصل بهم
۲۳۵۷ فرعی-ورثه فضل اله حقیقی (علی حقیقی وشرکاء) ششدانگ یک قطعه یونجه زار بانضمام یک قطعه دیمیزار متصل به آن
۲۴۰۰ فرعی-منیژه بریری فرزند مرتضی و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغچه
روز تحدید حدود پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۹
پلاک ۹۱ اصلی قریه جزینان
۲۷۰ فرعی-حلیمه خاتون اسحاقی فرزند باب اله ششدانگ یک قطعه زمین
۲۷۱ فرعی- حلیمه خاتون اسحاقی فرزند باب اله ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۷۷ فرعی- حلیمه خاتون اسحاقی فرزند باب اله ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۵۴۹ فرعی-سیدجعفر عظیمی فرزند سیدشاه میر ششدانگ یک قطعه زمین
۵۵۱ فرعی- آقای شعبانعلی اسحاقی فرزند علی بابا ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۹۶۲ فرعی-سیدروح اله عظیمی فرزند سیدنورالدین و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۰۴۲ فرعی-مهربان خانم اسحاقی فرزند وجیه اله و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۱۲۸ فرعی- پرویز اسحاقی فرزند محمود ششدانگ یک قطعه زمین
روز تحدید حدود شنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۳۱
پلاک ۹۱ اصلی قریه جزینان
۱۱۸۹ فرعی-احمد عقبائی فرزند رجبعلی و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین
۱۳۴۴ فرعی-حسن اسحاقی فرزند نجفقلی ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۱۳۸۵ فرعی-مجید اسحاقی فرزند سیروس و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۵۵۴ فرعی-حسین عقبائی فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه باغچه
۱۵۸۹ فرعی-نرگس خانجانی فرزند عبدالحسین ششدانگ یک قطعه باغ انگور
۱۶۳۳ فرعی-رضاعلی عقبائی فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۶۵۸ فرعی- رضاعلی عقبائی فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۱۸۱۹ فرعی-سعید عقبائی فرزند رحمت اله و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
روز تحدید حدود دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۲
پلاک ۹۱ اصلی قریه جزینان
۱۸۶۵ فرعی-اسکندر عقبائی فرزند سلطانعلی ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۰۲۸ فرعی-رحیم اسحاقی فرزند موسی ششدانگ یک قطعه زمین
۲۳۴۴ فرعی-محرم عقبائی فرزند محمد و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۳۵۹ فرعی-مریم اسحاقی فرزند منوچهر ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۳۹۲ فرعی-مهتاب اسحاقی فرزند وجیه اله ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۲۶۷۷ فرعی- ورثه سیدشاه میرعظیمی(سیدجعفر عظیمی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین
۲۷۱۸ فرعی-رضاعلی عقبائی فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۲۸۰۷ فرعی- مریم اسحاقی فرزند منوچهر ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۲۸۳۶ فرعی- پروانه عقبائی فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۲۸۸۶ فرعی-ورثه سیدشاه میرعظیمی (سیدجعفر عظیمی و شرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین
۳۳۴۰ فرعی-آقای رحیم اسحاقی فرزند علی ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
روز تحدید حدود پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۵
پلاک ۱۹۲ اصلی قریه هرنج
۴۱ فرعی- آقای نادر اسدی فرزند محمدابراهیم ششدانگ یک قطعه زمین
۳۳۹ فرعی-فاطمه محمدبیگی فرزند یزدان و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۷۰ فرعی- فرامرز شکریان فرزند حجت اله ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۸۷ فرعی- تیمور رستمی فرزند رستم ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۴۳۱ فرعی- شهین کیانی فرزند معروف ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
پلاک ۱۹۳ اصلی قریه کولج
۱۳۲۷ فرعی- رحمان فلاحی فرزند محمدنقی ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
روز تحدید حدود شنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۷
پلاک ۱۹۴ اصلی قریه حسنجون
۷۵۶ فرعی-عبدالرضا تاجدینی فرزند غلامرضا و شرکاء ششدانگ یک قطعه باغچه مشجر آبیزار
۲۳۷۲ فرعی-سیدمصطفی قاضی میرسعید فرزند سیداکبر ششدانگ یک قطعه زمین دیمیزار
۲۷۶۴ فرعی-فرناز امیرسعیدی فرزند سعید و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۴۶۸ فرعی-فضل الله پژمان فرزند نورمحمد ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
پلاک ۱۹۵ اصلی قریه سیدآباد
۲۹۰ فرعی- ورثه سیدزاهد قاضی میرسعید (فرشاد قاضی میرسعید وشرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۰۵ فرعی-ورثه سیدزاهد قاضی میرسعید (فرشاد قاضی میرسعید وشرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۳۴۹ فرعی-سیده بتول قاضی میرسعید فرزند سید فتح اله و شرکاء ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار
۴۰۸ فرعی-ورثه سیدزاهد قاضی میرسعید (فرشاد قاضی میرسعید وشرکاء) ششدانگ یک قطعه زمین آبیزار

لازم به ذکر است که تحدید حدود در محل به عمل خواهد آمد. بدینوسیله به کلیه مالکین ومجاورین اخطار داده می شود تا در روزهای مقرر راس ساعت ۹ صبح مالکین در اداره ثبت و مجاورین و معترضین در محل وقوع ملک حوزه ثبتی طالقان حضور به هم رسانند چنانچه نسبت به تحدید حدود پلاک های یاد شده اعتراض و یا حقوق ارتفاقی و یا هرگونه حقی دارند پس از تنظیم صورتمجلس از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک طالقان تسلیم و رسید دریافت دارند در غیر این صورت پس از انقضاء مهلت قانونی و عدم وصول اعتراض نسبت به صدور سند مالکیت به نام متقاضی اقدام به عمل خواهد آمد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۲/۱۱
م الف ۹۵۱۵

ایمان هادی پور
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک طالقان